

## سکه‌شناسی دوره فاطمیان

حمیدرضا وردی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد بیرجند

### چکیده:

تحقیق و بررسی درباره سکه‌های اسلامی و چگونگی پیدایش آن در جهان اسلام، به نوبه خود، یکی از مباحث شناخته شده در فرهنگ و تمدن اسلامی می‌باشد. مسلمانان از همان آغازین سال‌های ظهور اسلام به فکر ضرب سکه بودند و سکه‌هایی را نیز ضرب کردند اما تا دوره عبدالملک مروان این سکه‌ها رسمیت نداشت. برای نخستین بار او بود که به ضرب سکه در جهان اسلام اقدام نمود. پس از او نیز خلفای مسلمان توجه زیادی به ضرب سکه از خود نشان دادند. خلفای فاطمی نیز از این امر مستثنی نبودند و هر یک از آنان به ضرب سکه‌هایی با طرازهای متفاوت اقدام نمودند. به این ترتیب، می‌توان گفت سکه‌های هر یک از آنان از سکه‌های فاطمی متمایز بوده است. در این مقاله ویژگی‌های سکه‌های هر یک از این خلفا به ترتیب ذکر شده، نوآوری‌های آنان در ضرب سکه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: دینار و درهم، مسلمانان و ضرب سکه، معروفترین سکه‌ها، سکه‌های خلفای

فاطمی.

\*\*\*

### مقدمه

در دولت‌های قدیم و جدید ضرب سکه به عنوان یکی از نشانه‌های خلافت و سلطنت بوده است. حدود هفتصد سال قبل از میلاد مسیح، یونانیان باستان شروع به ضرب

قطعات فلزی کوچکی برای معاملات خود نمودند. روی این قطعات فلزی که به شکل نامانوس ساخته می‌شد، علایمی مبنی بر ارزش آن‌ها حک می‌شد. کم‌کم این‌ها به شکل جانوران یا تصویری از رهبران آن زمان مزین شد. (پلودن، سکه، ص ۹) سکه‌های قدیم بر خلاف سکه‌های عصر حاضر خود فی‌نفسه حائز ارزش بودند زیرا از جنس طلا یا نقره تهیه می‌شدند و به میزان طلا یا نقره‌ای که در آن‌ها به کار رفته بود ارزش داشتند، چنانکه حتی اگر سکه را ذوب می‌کردند باز هم از ارزش آن کاسته نمی‌شد. در دوره اسلامی نیز بیشتر سکه‌ها از جنس طلا یا نقره و مس تهیه می‌شد اما عیار آن در سرزمین‌های گوناگون، متغیر بود و به همین لحاظ، تاجران برخی را بر نمونه‌های دیگر ترجیح می‌دادند؛ برای مثال، مسلمانان، دینار «سکه طلا»ی رومی را بر نوع ایرانی آن ترجیح می‌دادند و درهم «سکه نقره»ی ایرانی بر نوع رومی آن برتری داشت. در دوره فاطمی، به دلیل برخورداری‌شان از منابع غنی طلا، بیشتر به ضرب دینار تمایل نشان داده شد، اما پس از ورود فاطمیان به مصر و در طول خلافت آنان در این سرزمین درهم نیز ضرب شد و در برخی موارد سکه‌هایی نیز از جنس مس به نام فلوس ضرب کرده‌اند.

### دینار و درهم

برخی لغت‌دانان معتقدند که دینار کلمه‌ای معرب، و از ریشه «دین آر» فارسی می‌باشد. (البستانی، دایرة المعارف، ذیل دینار - دهخدا، لغت‌نامه، ذیل دینار.) صاحب‌المنجد آن را از ریشه لاتین می‌داند و زبیدی در تاج‌العروس بدون ذکر ریشه آن بر معرب بودن آن تکیه دارد. (المنجد، ذیل «دَنَر و دَنَر» - زبیدی: ذیل دینار، ۶/۴۱۱)

در مورد کلمه درهم نیز بسیاری، از جمله ابن منظور آن را فارسی دانسته‌اند که درهم معرب آن می‌باشد. (ابن منظور: ذیل درهم - زبیدی: ذیل درهم، ۱۶/۲۳۸)

قبل از اسلام، در میان عرب بیشتر درهم و دینار ایرانی و رومی رایج بود. آنان از پول طلا به مسین، و از نقره به ورق تعبیر می‌کردند و پولهای مسی را جبّه یا دانق می‌گفتند. جرجی زیدان معتقد است، دینار کلمه‌ای است لاتین، مساوی یک سکه نقره

که ده اونس ارزش دارد و باید، توجه داشته باشیم که آس نام درهم رومی است. دینار از کلمه «Deni» یا ده می‌آید. وزن دینار رومی هفت اوقیه نقره بوده است. سپس رومیان دینار طلا هم سکه زدند و ایرانی‌ها درهم و دینار را از رومی‌ها اقتباس کردند. (زیدان، تاریخ التمدن الاسلامی، ۹۹-۹۸/۱)

### مسلمانان و ضرب سکه

پس از ظهور اسلام و تشکیل دولت اسلامی مسلمانان نیز به فکر ضرب سکه افتادند. (جدول ۱) ابتدا به همان سبک سکه‌های رومی و ایرانی سکه‌هایی ضرب کردند. (النقشبندی، ج ۱، ص ۲۴؛ مقریزی، النقود الاسلامیه، ص ۶۵) خالد بن ولید در سال ۱۵ هـ ق در طبریه دیناری سکه زد که همچون دینار رومی دارای صلیب، تاج و چوگان بود؛ با این تفاوت که روی دو وجه سکه با حروف یونانی کلمه خالد و «Bon» حک شده بود که به نظر می‌رسد مخفف ابوسلیمان، کنیه خالد باشد. سکه‌های دیگری نیز در سال ۲۸ هـ ق در قصبه هرتک مازندران ضرب شد که دو ردیف آن کلمه «بسم الله ربی» ضرب شده بود. به علاوه در سال ۶۱ هـ ق در یزد سکه‌هایی به خط پهلوی که اطراف آن «عبدالله بن زبیر امیرالمؤمنین» نوشته شده بود ضرب شده است. (زیدان، تاریخ التمدن الاسلامی، ج ۱، ص ۹۹)

در مورد اولین کسی که در اسلام به ضرب دینار پرداخت اختلاف نظر وجود دارد. برخی معاویه و برخی مصعب بن زبیر و برخی عبدالمملک مروان را اولین ضارب دینار در اسلام دانسته‌اند اما البته تاکنون دیناری به تاریخ خلافت معاویه یا همزمان با مصعب بن زبیر به دست نیامده است. (النقشبندی، ج ۱، ص ۱۸-۱۷؛ نیوری، ج ۶، ص ۱۸۰-۱۷۹؛ مقریزی، النقود الاسلامیه، ص ۶۵)

مقریزی در کتاب النقود الاسلامیه می‌نویسد: «کسی که نخستین دینار اسلامی را ضرب کرد معاویه بود، او دینارهایی که روی آن عکس مردی که شمشیر خود را حمایل کرده بود، ضرب کرد.» (مقریزی، النقود الاسلامیه، ص ۶۴) در حالی که بلاذری که

مقدم بر مقریزی است معتقد است اولین کسی که دینارهای منقوش ضرب کند عبدالملک مروان بود. دینارها به سبک رومی و درهم‌ها به سبک دوره خسروان ایران ضرب می‌شد. (بلاذری، ص ۴۵۳) تاکنون نیز سکه‌های زری که تاریخ آن مقدم بر دینار عبدالملک باشد به دست نیامده است و تاریخ قدیمی‌ترین دینار اسلامی که تاکنون کشف شده است سال ۷۷ هـ ق را نشان می‌دهد. (امام شوشتری، تاریخ مقیاسات، ص ۷۳)

در کتاب تاریخ النقود الاسلامیه آمده است که، اولین شخص حضرت علی (ع) بود که در بصره به ضرب سکه اقدام کرد و این به سال ۴۰ هجری بود. سپس عبدالملک این کار را کامل کرد. و در سال ۷۶ هـ ق به ضرب سکه اقدام نمود. (مقریزی: النقود الاسلامیه، ص ۶۳؛ الحسینی المازندرانی، ص ۴۵) این سکه‌ها بنا بر نقلی دارای چهره انسان بوده است. (الصراف، ص ۱۷).

به هر حال، نظر غالب آن است که عبدالملک مروان، خلیفه اموی، پس از بناطل کردن طراز رومی به ضرب رسمی سکه در جهان اسلام اقدام نمود و علت آن نامه ملک روم به او بود که در آن نوشته بود در صورت تغییر طراز، روی سکه‌ها بر پیامبر اسلام دشنام ضرب خواهد کرد. حجاج بن یوسف، متولی ضرب این سکه‌ها، سوره توحید را بر آن ضرب کرد. (البستانی، ذیل درهم؛ ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۶۷؛ الذهبی، ذیل حوادث سال ۷۵ هـ ق، ص ۳۲۶)

اولین کسی که در امر وزن سکه و خلوص آن تلاش کرد عمر بن حبیبه در ایام یزید بن عبدالملک بود. پس از او، خالد بن عبدالله قسری در ایام هشام بن عبدالملک و سپس خالد بن عبدالله قسری در ایام هشام بن عبدالملک سعی کردند وزن و خلوص سکه را ثابت نگه دارند. سابق بر آن، مردم چندان اطلاعی در مورد وزن و خلوص سکه نداشتند و سکه‌ها را با هم مقایسه کرده، می‌سنجیدند و به این ترتیب یکی را بر دیگری ترجیح می‌دادند. (ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۶۷)

در مورد طراز دینارهای اسلامی نیز باید گفت که اولین سکه‌های اسلامی به دست آمده دارای طراز اسلامی و رومی می‌باشد. برای مثال، در سکه‌های ضرب سنان ۷۷

هق برخی حروف لاتین دیده می‌شود اما از همین سال، ضرب دینار بر طبق طراز خالص اسلامی آغاز شد و دینارهای به دست آمده با تاریخ ۷۷ هق در برخی موارد دارای طراز خالص اسلامی می‌باشد. (امام شوشتری، ص ۸۱؛ النقشبندی، ج ۱، ص ۲۴)

اولین کسی که حروف کوفی را برای ضرب دینار به کار برد، عبدالملک مروان بود. روی یک طرف سکه عبارت «لا اله الا الله وحده لا شریک له» «بسم الله» و نام شهری که سکه در آن جا ضرب شده بود (الحسینی المازندرانی، ص ۸۸) و همچنین تاریخ ضرب سکه، حک شده بود و در طرف دیگر سکه عبارت «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون»، «الله احد، الله الصمد، لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد» ضرب شده بود. (زیدان، تاریخ التمدن الاسلامی، ج ۱، ص ۱۰۰)

طریقه ضرب طراز بر روی سکه نیز به این گونه بود که، پس از معین کردن اندازه و وزن سکه، مهر دارای طراز را به وسیله چکش بر روی درهم یا دینار می‌زدند تا نقش روی مهر بر سکه حک شود و به این ترتیب سکه‌هایی بی نظم با لبه‌های ترک خورده شکل می‌گرفت. (ابن خلدون، مقدمه، ج ۱، ص ۴۴۴)

جدول ۱. معروفترین سکه‌هایی که در ممالک اسلامی روآخ داشته‌اند.

نام سکه	توضیح
قیصری	دینارهای رومی رایج در عربستان
دمشقی	نخستین دینارهای اسلامی که در سال ۷۴ و ۷۵ هجری قمری به دستور عبدالملک مروان در دمشق ضرب شد.
هیبری	دینارهای عمر بن هیبره والی معروف اموی که در عراق ضرب شد.
خالدی	دینارهایی که خالد بن عبدالله قسری والی عراق در دوره بنی امیه ضرب کرد.
هاشمی	دینارهایی که در اندلس یا قیروان و در عهد فاطمیان در مصر ضرب شد.

ادامه جدول ۱. معروفترین سکه‌هایی که در ممالک اسلامی رواج داشته‌اند.

نام سکه	توضیح
جعفری	دینارهایی که جعفر بن یحیی برمکی هنگامیکه بر ضرابخانه دولتی نظارت داشت ضرب کرد.
احمدی.	دینارهای احمد بن طولون والی مصر که به امر مامون عباسی ضرب شد.
مغربی	دینارهایی که در اندلس یا قیروان و در عهد فاطمیان در مصر ضرب شد.
هرقلی	دینارهای ضرب هرقل امپراتور روم.
کسروی - خسروی	دینارهایی و درهمهایی که در عهد ساسانی توسط خسرو ایران ضرب شد.
السیدیة	دینارهایی که به دستور ابو عبدالله شیعی توسط ابی بکر بن المقودی در شمال آفریقا ضرب شد.
رباعیة المنصوریه	سکه‌هایی که در المنصوریه پایتخت المنصور فاطمی در شمال آفریقا ضرب شد.
معزی	دینارهایی که توسط جوهر صفلی پس از فتح مصر به سال ۳۵۸ هـ (۹۷۰ ق) به نام معز فاطمی در قاهره ضرب شد.
رباعیه -	دینارهایی که قبل از آغاز سال جدید قمری به دستور خلفای فاطمی و برای تزکوب آنها ضرب می‌شد.
مسوده -	درهم‌های کم ارزش که در دوره الحاکم فاطمی ضرب شد و مورد استقبال واقع نشد.
الامام المنتظر	دینار و درهمهایی که در دوره الخافظ فاطمی بدون ذکر نام خلیفه و بانام الامام المنتظر به دستور ابوعلی احمد بن افضل وزیر قدرتمند وی ضرب شد.
خروبه	دینارهایی که در اعیاد مربوط به مسیحیان بویژه خمیس العهد در دوره فاطمی در مصر ضرب می‌شد.

## سکه‌های خلفای فاطمی

در تحقیق پیرامون سکه و سکه‌شناسی در دوره فاطمی، این مسئله اساسی رخ می‌نماید که ضرب سکه در دوره فاطمی به طور کامل تحت تاثیر جو سیاسی حاکم بر مملکت فاطمی بوده است؛ به علاوه، اعتقادات فاطمیان اسماعیلی مذهب و تلاش آنان مبنی بر آنکه خود را خلفای جهان اسلام معرفی نمایند بر طراز این سکه‌ها تاثیر داشته است. بنابراین می‌توان گفت سکه‌های فاطمی با تاثیر از سه عامل سیاسی، مذهبی و اجتماعی ضرب شده است. در سکه‌شناسی دوره فاطمی سه دوزخ مشخص را می‌توان مشاهده کرد (مجموعه داود، ص ۱۰-۱۲):

۱. دوره حکومت فاطمیان در مغرب که هنوز تا رسیدن به اوج قدرت سیاسی راهی طولانی در پیش داشتند؛

۲. دوره اول حکومت فاطمی در مصر، یعنی از دوره خلافت معز تا پایان دوره مستنصر که فاطمیان در اوج قدرت سیاسی و اقتصادی بودند؛

۳. دوره دوم استقرار فاطمیان در مصر که دوره خلفای ضعیف و وزیران قوی نام دارد. این وزیران علاوه بر سلطه همگانی بر دوایر مختلف، حتی بر عباراتی که روی سکه ضرب می‌شد نیز تاثیر گذاشتند و نام خود را در کنار نام خلفای فاطمی بر سکه‌ها ضرب کردند.

مهمترین ویژگی سکه‌های دوره اول فاطمی آن است که این سکه‌ها به طور کامل از طراز سکه‌های عباسی متأثر می‌باشد و از همان سبک سکه‌های عباسی پیروی می‌کند؛ با این تفاوت که به جای نام خلیفه عباسی، نام خلیفه فاطمی بر سکه‌ها ضرب شده است. (همان، ص ۲۴) سکه‌های عباسی در ابتدا دارای چند سطر و یک حاشیه در پشت و رو بود، اما پس از سال ۲۰۵ هـ ق این طراز تغییر کرد و به جای یک حاشیه، دو حاشیه در روی سکه و یک حاشیه در پشت سکه وجود داشت. (اشراق، ص ۲۴؛ بلانیت، ص ۵۵-۶)

پس از فروپاشی دولت اغالبه در شمال افریقا، بسیاری از کارگزاران دولت بنی‌اغلب

دوباره توسط فاطمیان به کارگماره شدند که از جمله آنان ابی بکر بن المقودی معروف به فیلتوف بود که ابو عبدالله شیعی، داعی بزرگ اسماعیلی، به او دستور داد اولین دینارهای فاطمی را ضرب کند تا اعلان رسمی تغییر حکومت باشد و اسم هیچ شخصی را بر آن نقش نزنند و عبارت «بلغت حجة الله» را بر یک طرف و «تفرق اعداء الله» را بر طرف دیگر ضرب کند و سال ضرب سکه نیز نوشته شود - یعنی سال ۲۹۷ هـ.ق. (القیسی، موسوعة النقود، ص ۱۸۷؛ الدشراوی، ص ۵۰۳)

ابو عبدالله شیعی سپس فرمان داد سکه دیگری ضرب کنند که به نام «السیدیة» خوانده شد - منسوب به کلمه سید. بر این سکه‌ها عبارت «الحمد لله رب العالمین» به جای عبارتهای قبلی حک شد. (النعمان بن محمد، ص ۲۲۵؛ الدشراوی، ص ۵۰۴)

این اولین دینارها در شمال افریقا و در شهر قیروان ضرب شد و به طور رسمی نشانه استقلال این منطقه از جهان اسلام از خلافت عباسی بود. (القیسی، موسوعة النقود، ص ۱۸۷)

در دوره عبیدالله مهدی، نوع دیگری از سکه نیز ضرب شد که عبارت «امام - عبدالله - امیرالمومنین - المهدی» بر آن حک شده بود. لازم به ذکر است که عبیدالله در ابتدای طراز سکه‌ها را تغییر نداد و عبارت «امیرالمومنین» و «امام» را ذکر نکرد؛ زیرا این احتمال را می‌داد که قیام و شورش‌هایی توسط اهل سنت برپا شود. اما وقتی حکومت او استقرار یافت به ضرب این سکه‌های جدید اقدام نمود. (محمود داوود، ص ۲۵؛ القیسی: موسوعة النقود، ص ۸-۱۸۷)

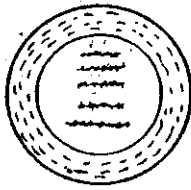
دینارهای جدید قیروان دارای مشخصات زیر بود:

زوی سکه و در مرکز آن عبارت «عبیدالله، لاله الاالله وحده لاشریک له، امیرالمومنین»؛ و در حاشیه آن عبارت «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله» حک شده بود.

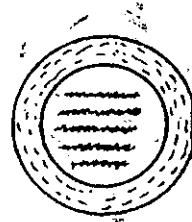
پشت سکه و در مرکز آن عبارت «محمد رسول الله، المهدی بالله»؛ و در حاشیه آن عبارت «بسم الله ضرب هذا الدینار بالقیروان سنة سبع و تسعين و مائین» نقش بسته بود.



(القیسی: موسوعة النقود، ص ۱۸۸؛ بلانت، ص ۷۰)



ظهر



وجه

عبیدالله مهدی تمایلی نداشت که نام قیروان که پایتخت اغالبه بود، روی سکه‌ها ضرب شود؛ لذا شهر مهدیه یا شهر رحمت را بنا کرد و به آن نقل مکان نمود و آنجا را دارالخلافه خود قرار داد (الصنهاجی، ص ۲۷؛ ابن تغری بردی، ج ۳، ص ۱۹۷). پس از بنای مهدیه دارالضرب به مهدیه انتقال یافت و تغییراتی در حجم، شکل و نوع سکه‌ها ایجاد شد و سکه‌هایی از جنس طلا، نقره، و مس ضرب شد. (الدشراوی، الخلافة الفاطمية، ص ۵۰۴)

در دوره قائم بامرالله، دومین خلیفه فاطمی، نیز همان سبک سکه‌های عباسی ادامه یافت (محمود داود، ص ۲۷). اما در عبارت‌ها تغییراتی داده شد؛ تغییر عمده‌ای که در این دوره رخ داد، استفاده از خط کوفی برای نوشتن طراز سکه‌ها بود. (الدشراوی، ص ۵۰۵)

دینارهای دوره قائم در پایتخت جدید فاطمیان، مهدیه، در جوار قیروان، یا مشخصه‌های زیر ضرب می‌شد (القیسی، موسوعة النقود، ص ۱۸۸):

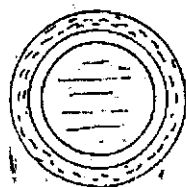
روی سکه و در مرکز آن: «محمد ابوالقاسم لاله الاالله وحده لا شریک له المهدی بالله»؛

در حاشیه آن: «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله»؛

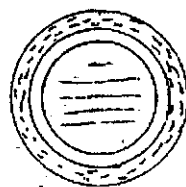
پشت سکه، در مرکز: «القائم بامرالله، محمد رسول الله، امیرالمومنین»؛

در حاشیه اول: «بسم الله ضرب هذا الدینار بالمهدیه سنة ثلث و عشرين و ثلثمائة»؛

در حاشیه دوم: «وتمت کلمة ربک صدقا و عدلا لا مبدل لکلمة و هو السميع العليم».



ظهر



وجه

در دوره سومین خلیفه فاطمی، المنصور، سکه‌هایی در مهدیه ضرب شده که تاریخ ۳۳۷ هـ.ق بر آن نقش بسته است و در ضرب آن از همان روش قبلی پیروی شده و هنوز سبک دوره عباسی در آن مشهود است. (القیسی، موسوعة النقود، ص ۱۸۹؛ محمود داوود، ص ۳۱)

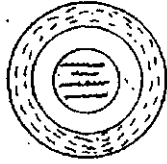
در این دوره، با انتقال دارالخلافه به المنصوریه، دارالضرب جدید در این شهر دایز شد و سکه‌های جدیدی به نام «رباعیه المنصوریه» در آن ضرب شد. دارالضرب مهدیه نیز به کار خود ادامه داد. همزمان تغییراتی اساسی در سکه‌ها ایجاد شد و طراز دینار فاطمی از لحاظ شکل و کتابت تغییر کرد. سکه‌ها از نظر حجم بزرگتر شد ولی از نظر عیار با سکه‌های قبلی تفاوتی نداشت. (الدشراوی، ص ۵۰۶؛ القرشی، ص ۴۶۱) در این دوره، زرع سکه نیز ضرب می‌شد. (القیسی، موسوعة النقود، ص ۹۰-۱۸۹). دینارهای فاطمی دوره المنصور، که ضرب مهدیه بود، با مشخصات زیر ضرب شده است (همان، ص ۱۹۰):

روی سکه، در مرکز: «الامام - لاله الاالله - المنصور بالله»؛

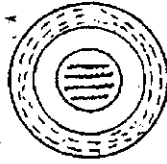
روی سکه، در حاشیه: «بسم الله ضرب هذا الدینار بالمهدیه فی شهر محرم سنة سبع و ثلثین و ثلثمائه»؛

پشت سکه، در مرکز: «محمد رسول الله، امیرالمؤمنین»؛

و در حاشیه آن: «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون».



ظهر

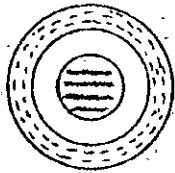


وجه

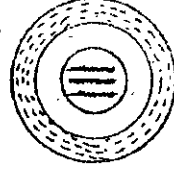
دینارهایی که در دوره المنصور در منصوریه به سال ۳۳۸ هـ ق ضرب شد، دارای مشخصه‌های زیر بود. (همان، ص ۱۹۰):

روى سکه، در مرکز: «لا اله الا الله، وجده لا شریک له، محمد رسول الله». در سه سطر؛

پشت سکه، در مرکز: «عبدالله، اسمعيل الامام، المنصور بالله، اميرالمومنين» در چهار سطر.



ظهر



وجه

تا دوره معز فاطمی در طراز سکه و شکل عبارتها تغییر اساسی داده نشد اما از دوره معز، به ویژه پس از فتح مصر توسط جوهر صقلی و انتقال مرکز خلافت فاطمی از شمال افریقا به مصر، در سکه‌های فاطمی تغییر اساسی مشاهده می‌شود و به این ترتیب، خلفای فاطمی سبک و روش عباسی را کنار گذاشتند. (محمود داود، ص ۳۶؛ القیسی، موسوعة النقود، ص ۱۹۰)

قبل از آنکه مصر توسط فاطمیان فتح شود، سکه‌هایی به تاریخ ۳۴۱ هـ ق در مصر ضرب شد که دارای سه حاشیه خارجی، داخلی و میانی بود و پشت سکه نیز به همین ترتیب دارای سه حاشیه بود. این سکه‌ها نام المعز لدین الله فاطمی، امیرالمومنین را بر خود داشت و جاکسی از آن بود که فاطمیان قبل از تصرف مصر، سلطه سیاسی - فرهنگی خود

را بر آن جا اعمال کرده بوده‌اند و از هر لحاظ آمادۀ فتح منتظر بوده‌اند. (القیسی، المسکوکات، ص ۱۱۱). فتح مصر با مرگ کافور اخشیدی و پزیشانی اوضاع مصر در سال ۳۵۸ هـ ق توسط سرداز معز فاطمی به نام جوهر صقلی صورت گرفت. (مقریزی، خطط، ج ۲، ص ۱۸۹؛ مقریزی، اتعاظ الحنفاء، ج ۱، ص ۹۷؛ ابن خلدون، العبر، ج ۴، ص ۸-۴۷)

جوهر صقلی در اولین سال ورودش به مصر، به بنای قاهره اقدام کرد و دارالضربیه در آن جا تاسیس کرد. اولین سکه‌های قاهره، به سبک سکه‌های منصوریه با سه حاشیه در پشت و زو ضرب شد. (مقریزی، النقود الاسلامیه، ص ۲۷؛ القیسی، مؤسعة النقود، ص ۱۹۱؛ القیسی، المسکوکات، ص ۱۱۳؛ الصراف، ص ۶) این دینارها که تاریخ ۳۵۸ هـ ق را بر خود دارد به دینار معزیه و منسوب به خلیفه فاطمی المعز لدین الله معروف می‌باشد. (بلانت، ص ۷۱؛ مقریزی، النقود الاسلامیه، ص ۲۷)

دینار معزی از دینارهای الرازی خلیفه عباسی به لحاظ وزن سبکتر بود و مردم به آن تمایل کمتری نشان می‌دادند اما جوهر به طرق گوناگون مردم را به استفاده از این سکه‌ها وادار نمود. پس از آمدن معز فاطمی به مصر، یعقوب بن کلس و عسلوج بن الحسن مامور جمع‌آوری خراج شدند. آنان دستور داشتند که فقط دینار معزی را به عنوان خراج قبول کنند. لذا دینار الرازی عباسی اعتبار خود را از دست داد؛ به طوری که ارزش آن کمی بیشتر از  $\frac{1}{4}$  دینار معزئی شد و این در حالی بود که ارزش برابری دینار با درهم به  $\frac{1}{5}$  درهم در مقابل هر دینار معزی رسید. (مقریزی، النقود الاسلامیه ص ۲۷؛ القیسی، المسکوکات، ص ۱۱۳؛ لوئیس، ص ۱۸۲؛ مقریزی، اغاثه الامه، ص ۶۵)

با ترقی ارزش دینار معزی که اکنون با دینار بیزانسی برابری می‌کرد، این دینار در تمامی حوزه مدیترانه، بلاد نژمان، سیسیل و بلاد سودان رواج کامل یافت. (الدشراوی، ص ۵۰۷)

هنگامی که المعز فاطمی در مغرب بود، به ضربت درهم نقره نیز اقدام نمود اما از درهم‌های معزی در مصر چیزی به دست نیامده است. بنابراین می‌توان گفت فاطمیان در

اوایل حکومت خود، به ویژه در مصر، علاقه چندانی به ضرب درهم نداشته‌اند. و از دوره الحاکم بامرالله فاطمی بود که ضرب درهم رواج کامل یافت. (محمود داود، ص ۴۹؛ الصراف، ص ۶)

در دوره معز فاطمی، علاوه بر دینار و درهم، فلوس نیز ضرب شد که یک نمونه کم‌نظیر از آن در موزه هنر اسلامی قاهره وجود دارد. ضرب این گونه سکه‌ها بر گستردگی تجارت فاطمیان دلالت دارد. سبک، روش، طراز فلوس و نحوه ضرب آن همانند دینارهای این دوره بوده است. (محمود داود، ص ۵۰)

معز فاطمی نه تنها در قاهره و منصوریه بلکه در مهدیه، بلرم، سجلماسه و فسطاط دارالضرب‌هایی تاسیس کرد که خود بر عظمت دولت فاطمی در عصر او دلالت دارد، دولتی که داعیه مالکیت همه ممالک اسلامی را در سر داشت. (الدشراوی، ص ۵۰۷). در دوره استقرار خلفای فاطمی در مصر و پس از بنای قصرهای با شکوه و ظهور تشریفات گسترده دربار خلافت، رسم بر آن شد که قبل از رکوب خلیفه در آغاز هر سال در دهه آخر ذی‌الحجه، دستوری صادر می‌شد تا دینارهایی به نام رباعیه و همچنین درهم‌هایی ضرب شود و بر آن تاریخ سالی که خلیفه رکوب کرده بود حک می‌شد. تعدادی از این سکه‌ها در مراسم آغاز سال به وزیر و اولادش هدیه می‌شد و به سایر کارگزاران لشکری و کشوری از یک تاده دینار بسته به مقام و منزلت آن‌ها هدیه می‌شد. (ابن تغری بردی، ج ۴، ص ۹۵)

سکه‌های دوره معز فاطمی با مشخصه‌های زیر ضرب شده است (القیسی، موسوعة النقود، ص ۱۰۱-۱۰۹؛ محمود داود، ص ۴۷؛ مقریزی، النقود الاسلامیه، ص ۷۷):

روی سکه، در حاشیه خارجی: «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق...»؛

در حاشیه میانی: «و علی افضل المومنین و وزیر خیر المرسلین»؛

در حاشیه داخلی: «لا اله الا الله محمد رسول الله»؛

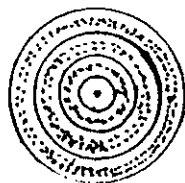
پشت سکه و در حاشیه خارجی: «بسم الله ضرب هذا الدینار بمصر سنة احدث و

اربعین و ثلثمائه»؛

در حاشیه میانی: «دعا الامام معد لتوحيد الاله الصمد»؛  
در حاشیه داخلی: «المعز لدين الله امير المؤمنين».



ظهر



وجه

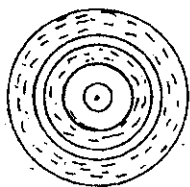
فاطمیان، بعد از آنکه به مصر آمدند، معادن طلای سجلماسه را از دست دادند اما در عوض معادن واقع در «وادی العلاقی» در جنوب مصر را به دست آوردند. (ابن المایمون، ص ۳۸)؛ همچنین پس از فتح شام معادن آن جا را نیز صاحب شدند. این معادن پس از غلبه سلاجقه بر قلمرو آنان در شام از دستشان خارج شد. (Ehren, P.507) اصلاحات اقتصادی فاطمیان در مصر یا بالا بردن ارزش دینار به همان میزانی که سکه فاطمی در مغرب داشت آغاز شد؛ بطوری که وزن سکه‌ها میان ۴ تا ۴/۰۶ گرم در نوسان بود. (ابن المامون، ص ۳۸)

در دوره عزیز فاطمی و در ابتدای امر؛ سکه‌هایی با همان سبک و شکل سکه‌های پدرش معز فاطمی ضرب شد اما بعداً برای متمایز شدن سکه‌های عزیز آن را با دو حاشیه ضرب می‌کردند، حال آن که سکه‌های معزی سه حاشیه داشت. تفاوت دیگر بین این سکه‌ها آن بود که سکه‌های عزیز فاطمی زیباتر و دارای وضوح بیشتری بود و از طرف دیگر مردم نیز رغبت بیشتری در به کارگیری آن از خود نشان دادند. طراز سکه‌های عزیز فاطمی از قرار زیر بود (محمود. داود، المسکوکیات الفاطمیه، ص ۵۳):

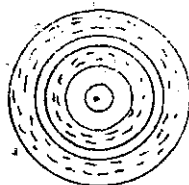
روی سکه، در حاشیه داخلی: «لااله الاالله، محمد رسول الله، علی صفوة الله»؛

در حاشیه خارجی: «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق...»؛

پشت سکه، در حاشیه داخلی: «عبدالله و ولیه نزار الامام العزیز بالله امیرالمومنین»؛  
در حاشیه خارجی: «بسم الله ضرب هذا الدينار ب... سنة...».



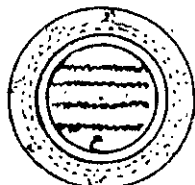
ظهر



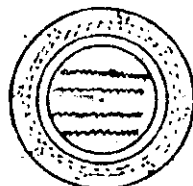
وجه

در دوره عزیز فاطمی. درهم‌هایی نیز شبیه دینارهای این دوره ضرب شد؛ با این تفاوت که تاریخ ضرب در دینارها بر پشت سکه و در حاشیه خارجی ضرب می‌شد و در درهم‌ها تاریخ ضرب بر روی سکه حک می‌شد. (همان، ص ۵۵-۵۴)  
در دوره الحاکم فاطمی سه نوع سکه ضرب شد که مشخصات آن به این قرار است (القیسی، موسوعة النقود، ص ۱۹۱؛ محمود داود، ص ۵۷؛ زیدان، تاریخ مصر الحديث، ج ۱، ص ۲۲۵):

۱. سکه‌هایی که با چهار سطر در مرکز و دو حاشیه متمایز می‌شدند:

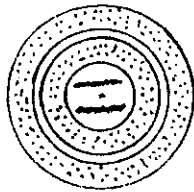


ظهر

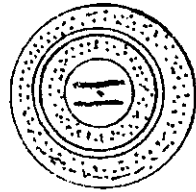


وجه

۲. سکه هایی با دو سطر در مرکز و دو حاشیه که عبارت های آن بسیار مشکل خوانده می شد:

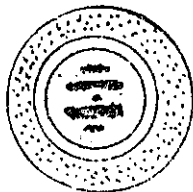


ظهر

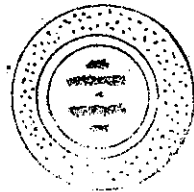


وجه

۳. سکه هایی که به مراتب بهتر از نوع دوم بود و یک مرکز بزرگ با سه دایره متحدالمرکز در هر طرف سکه و یک حاشیه داشت. فقط نام خلیفه بر این سکه نقش شده بود اما از سال ۴۰۴ هـ ق نام ولیعهد نیز زیر نام خلیفه حک می شد:



ظهر



وجه

یکی از ویژگی های دوره الحاکم آن بود که ضرب درهم به دلیل فعالیت های معدنی در این دوره رواج یافت. (القبیسی، المسکوکات، ص ۱۴؛ مقریزی، اغاثه الامه، ص ۶۴) در این دوره، ارزش درهم بسیار تنزل کرد به طوریکه هر ۴۴ درهم برابر یک دینار شد. لذا الحاکم به ضرب درهم های جدیدی اقدام کرد که هر درهم آن ارزشی برابر چهار درهم قبلی داشت و ارزش برابری درهم و دینار به ۱۲ درهم برای هر دینار رسید. (مقریزی، النقود الاسلامیه، ص ۸ و ۲۷).

دلیل آنکه در این دوره ارزش درهم تنزل کرد این بود که در ابتدای امر مردم شهرهای بزرگ و مراکز تجاری مهم از درهم استقبال نکردند و در همان ابتدا ارزش هر دینار برابر ۱۸ درهم بود و سپس پایین تر نیز رفت. (مقریزی، اغاثه الامه، ص ۶۵؛



محمود داود، ص ۶۲) این درهم که به نام درهم «مسوده» معروف بود در فسطاط، اسکندریه و قاهره مورد استفاده بود. (مقریزی، اغاثه الامه، ص ۶۵؛ قلقشندی، ج ۳، ص ۴۳۹)

در دوره ظاهر، به سبب وضعیت نامساعد اقتصادی و نقصان آب نیل، مصریان به مشکل اقتصادی دچار شدند. در همین دوره است که مرحله دوم تحول سکه فاطمی به وقوع می‌پیوندد؛ یعنی دوره‌ای که از معز فاطمی تا مستنصر را دربرمی‌گیرد. از سکه‌های دوره ظاهر غیر از دینارهای به دست آمده تنها چند درهم و فلوس، بدون علامت مشخص، موجود است. برای اولین بار بر روی دینارهای این دوره دو کلمه «عال و غایه» حک شده است که به دقت عیار و وزن سکه اشاره دارد. زیرا در این دوره همانطور که اشاره شد - اوضاع بد اقتصادی موجب شد در سکه‌ها غش بزنند و عیار آن را کامل نکنند و از ظرفی وزن سکه را نیز کاهش دادند؛ بنابراین دولت فاطمی برای مقابله با این اوضاع به ضرب این سکه‌ها اقدام نمود. (محمود داود، ص ۶۵)

سکه‌های ظاهر با چهار طراز از سکه‌های دیگر خلفای فاطمی متمایز می‌گردد. این سکه‌ها به لحاظ شکل و مضمون طراز، شبیه طراز اول دینارهای الحاکم می‌باشد که در مرکز آن، دو سطر وجود داشت و دو حاشیه آن را دربرمی‌گرفت با این اختلاف که دینارهای ظاهر دارای یک فاصله دایره‌ای احاطه شده با دو خط بود که میان طراز و حاشیه داخلی و خارجی واقع می‌شد. (همان، ص ۶-۶۵؛ زیدان، تاریخ مصر الحدیث، ج ۱، ص ۲۲۶) سکه‌های ظاهر با مشخصه‌های زیر ضرب شده است:

روی سکه، در مرکز: «محمد رسول الله، علی ولی الله»؛

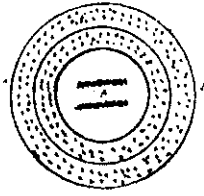
در حاشیه داخلی: «لااله الاالله وحده لا شریک له»؛

در حاشیه خارجی: «محمد رسول الله»، «ولوکره المشرکون»؛

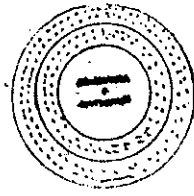
پشت سکه: «الظاهر لا عزاز دین الله امیرالمومنین»؛

در حاشیه داخلی: «الامام عبدالله و ولیه علی ابوالحسن»؛

در حاشیه خارجی: «بسم الله ضرب هذا الدینار ... سنه: ...».



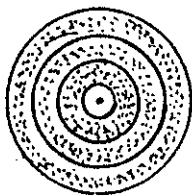
ظهر



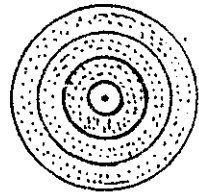
وجه

بنابراین باید گفت که تاریخ ضرب دینارها از عهد الظاهر به حاشیه پشت سکه منتقل شد. (محمود داود، ص ۶۸)

در دوره مستنصر که خلافت او حدود ۶۰ سال طول کشید (۴۸۷-۴۲۷ هـ.ق) سکه‌های گوناگونی ضرب شد، به ویژه دینارهایی با همان سبک دینارهای دوره الظاهر ضرب می‌شد؛ اما در حفاصل سالهای ۴۳۰ تا ۴۴۰ هـ.ق تاریخ ضرب و محل سکه به پشت و حاشیه آن انتقال یافت. (القیسی، موسوعة النقود، ص ۱۹۲؛ محمود داود، ص ۷۱) در حفاصل سالهای ۴۴۰ تا ۴۷۰ هـ.ق دینارهایی با پسه حاشیه ضرب شد. این نوع دینارها، اول بار، در دوره معز فاطمی ضرب شد. در سالهای ۴۷۱ تا ۴۸۷ هـ.ق نوع دوم سکه‌ها پیدا شد که محل سکه و تاریخ بر حاشیه روی سکه ضرب می‌شد. (القیسی، موسوعة النقود، ص ۱۹۲؛ محمود داود، ص ۷۴)



ظهر



وجه

یکی از ویژگیهای بارز دوره مستنصر فاطمی آن بود که شهر اسکندریه دویازمه مرکز ضرب سکه‌های حکومتی شد. اسکندریه در دوره عباسی و تحت حکومت طولونیان و اخشیدیان به ضرب سکه نمی‌پرداخت؛ حال آنکه در دوره اموی به ضرب فلوسهای بینه‌انسی از مس و برنز اقدام می‌کرد. فاطمی‌ها چون در شمال آفریقا مرکز ضرب سکه

وجود نداشت، در اشکندریه دوباره به ضرب سکه شروع نمودند. (محمود داود، المسکوکات الفاطمیه، ص ۷۶؛ قلقشندی، صبح الاعشی، ۳/۴۳۹)

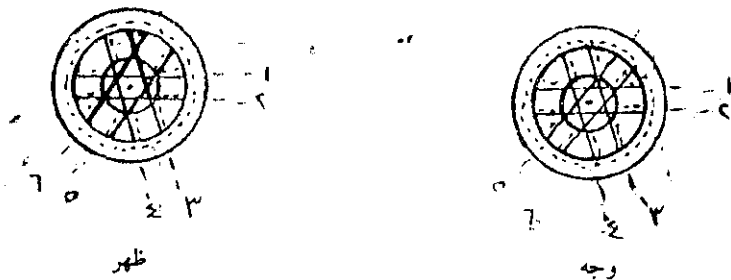
در دوره مستنصر فاطمی طراز سکه‌ها تغییر اساسی کرد و برای اولین بار در این دوره بود که سکه‌هایی با شش وتر در رو و پشت سکه به وجود آمد که در هر طرف، یک حاشیه نیز داشت.

مشخصات این سکه‌ها به ترتیب زیر بود:

روی سکه:	وتر اول: لا اله؛	پشت سکه:	وتر اول: الامام؛
	وتر دوم: الا لله؛		وتر دوم: معد؛
	وتر سوم: محمد؛		وتر سوم: ابو تمیم؛
	وتر چهارم: رسول؛		وتر چهارم: المستنصر؛
	وتر پنجم: الله علی؛		وتر پنجم: بالله امیر؛
	وتر ششم: ولی الله؛		وتر ششم: المومنین؛

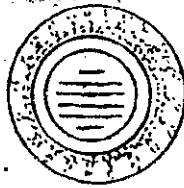
در حاشیه روی سکه: «محمد رسول الله ارسله...»

در حاشیه پشت سکه: «تاریخ ضرب». (محمود داود، ص ۱۹۳)

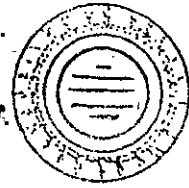


در دوره مستعلی بالله فاطمی، در نوع خط سکه تغییراتی ایجاد شد به این ترتیب که عبارتهای مرکزی را با خط نسخ و حاشیه را با خط کوفی حک می‌کردند؛ به علاوه، بر روی سکه و در قسمت مرکزی آن دو کلمه «عال» و «غایه» و بر پشت سکه و در مرکز آن لقب خلیفه «الإمام احمد» حک شد. (القیسی، موسوعة النقود، ص ۱۹۳) سکه‌های دوره مستعلی سه نوع بودند:

۱. پنج سطر روی سکه با یک حاشیه و شش سطر در پشت سکه با یک حاشیه:

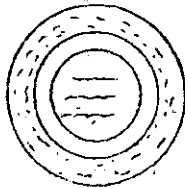


ظهر

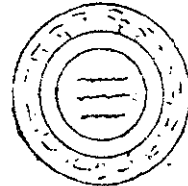


وجه

۲. سه سطر در روی سکه با یک حاشیه و سه سطر در پشت سکه با یک حاشیه:

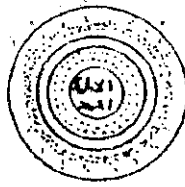


ظهر

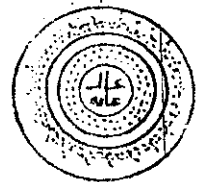


وجه

۳. دو سطر در مرکز با دو حاشیه و دو سطر در پشت سکه با دو حاشیه. که در روی سکه و مرکز آن کلمه «غال - غایه» و در پشت و مرکز کلمه «الامام - احمد» حک شده بود (محمود داود، المسکوکات الفاطمیه، ص ۷-۸۶):



ظهر



وجه

در نیمه قرن پنجم هجری قمری، ارزش سکه به دلیل قحطی و بحران اقتصادی به شدت کاهش یافته بود، اما بار دیگر در دوره الامر فاطمی ارزش و جایگاه نخستین خود را باز یافت. مامون بطاحی به سال ۵۱۶ هـ ق در قاهره نخستین ضربخانه را ساخت و در سال ۵۱۸ هـ ق نخستین دینارهای این ضربخانه ضرب شد. ویژگی این دینارها عیار

بالای آن بود به گونه‌ای که بالاترین عیار را نسبت به آنچه در دیگر بلاد اسلامی وجود داشت به خود اختصاص داد. سکه‌های دوره آل‌امراز این نظر نیز قابل اهمیتند که برای اولین بار کلمه «المعزیه القاهره، سنه ۵۱۸ هـ.ق» را با خود دارد و این نشانگر شکوه و جلال قاهره در این عصر می‌باشد. (همان، ص ۸۹)

سکه‌های آمری شبیه سکه‌های مستعلی بود و از نظر طراز فقط به جای نام «الامام - احمد»، نام «الامام - المنصور» را بر خود داشت. مشخصات کلی سکه‌های دوره آل‌امراز قرار زیر می‌باشد (القیسی، موسوعة النقود، ص ۱۹۳؛ زیدان، تاریخ مصر بالحديث، ج ۱، ص ۲۵۳؛ محمود داود، ص ۸۹):

روی سکه، در مرکز: «عال - غایه»؛

در حاشیه داخلی: «لااله الاالله محمد رسول الله»؛

در حاشیه خارجی: «محمد رسول الله ارسله...».

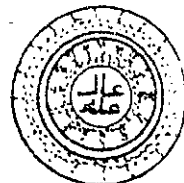
پشت سکه، در مرکز: «الامام - المنصور»؛

در حاشیه داخلی: «ابوعلی الامر با حکام الله امیرالمومنین»؛

در حاشیه خارجی: «بسم الله الرحمن الرحيم، ضرب هذاالدینار ب...سنه...».



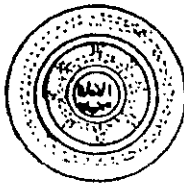
ظهر



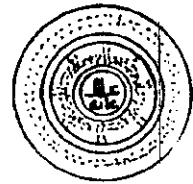
وجه

در دوره الحافظ، نام خلیفه فاطمی برای مدتی از سکه حذف شد و این زمانی بود که ابوعلی احمد بن افضل بر مسند وزارت الحافظ فاطمی تاکید داشت. ابوعلی شیعیان را به اقامه دعوت برای قائم منتظر فرا خواند و قدرتش به جایی رسید که دستور داد درهم‌هایی به اسم القائم‌المنتظر ضرب کنند که بر آن حک شده بود «الله الصمد، الامام محمد و هو الامام المنتظر». (ابن خلدون، العبر، ج ۴، ص ۷۲؛ القیسی، موسوعة النقود،

ص ۱۹۳؛ ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۵، ص ۲۳۲) گرچه ابن خلدون تأکید می‌کند که ابوعلی احمد بن افضل فقط روی در هم‌ها این عبارات‌ها را ضرب کرد، اما اکنون ۹ سکه طلا «دینار» در موزه‌های اروپایی مثل لندن و پاریس و همچنین در موزه قاهره وجود دارد که با همان عبارت «الله الصمد، محمد و هو الامام المنتظر» می‌باشد. (ابن خلدون، العبر، ص ۴/۷۲؛ ابن تغری بردی، ج ۵، ص ۲۳۲) دینارهای «الامام المنتظر» همان ویژگی دینارهای دوره الامر را دارد و تنها به جای نام خلیفه عبارت مذکور ضرب شده است. (محمود داود، ص ۹۹)

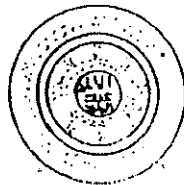


ظهر

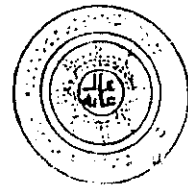


وجه

در سال ۵۲۶ هـ ق و در دوره الحافظ به جای کلمه «الامام المنتظر»، «امام المهدي القائم بامرالله» ضرب شد. این سکه‌ها دارای سه حاشیه متداخل با کلمه «عال» در مرکز و روی سکه و کلمه «غایه» در مرکز و بر پشت سکه بود. برخی دیگر از سکه‌های دوره الحافظ با عبارت «الامام - عبد - المجید» به ضرب رسیده است. (همان، ص ۱۹۴؛ القیسی، موسوعة النقود، ص ۱۹۳)



ظهر

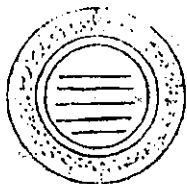


وجه

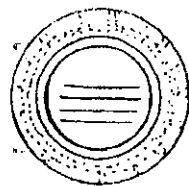
در این دوره، به ضرب درهم و فلوس با همان طراز دینار اقدام شد. اکثر سکه‌های به دست آمده از دوره الحافظ ضرب فسطاط یا اسکندریه می‌باشد و این امر خود حاکی از

آن است که در این زمان اوضاع قاهره نابسامان و پریشان و ضرابخانه آن تعطیل بوده است. این وضع ناشی از درگیری فاطمیان با ترکها و سلجوقیان شام از طرفی و درگیری با صلیبیان از طرف دیگر بوده است. (محمود داود، ص ۹۹) اینکه در فسطاط با توجه به نزدیکی به قاهره هنوز سکه ضرب می‌شده بیشتر به این دلیل است که زیر این شهر اقدام به ضرب فلوس می‌شد و فسطاط در تاریخ جزء مراکزی ثبت شده که به ضرب سکه‌های مسی اقدام می‌کرده است. (اشراق، ص ۵۹)

در سال ۵۲۹ هـ ق دینارهای الظاهر بالله به همان سبک قدیم و بیشتر شبیه سکه‌های دوره المنصور ضرب شد که در مرکز آن چند سطر وجود داشت با یک حاشیه که به خط کوفی زیبا حک شده بود. (القیسی، موسوعة النقود، ص ۱۹۳؛ زیدان، تاریخ مصر الحدیث، ج ۱، ص ۲۲۵) اما تحول چندانی در امر ضرب سکه‌ها پیش نیامد و صرفاً این تحول رخ داد که سکه‌هایی با چهار سطر و یک دایره مرکزی، و با خط کوفی ضرب شد که در پشت آن ۵ سطر و یک حاشیه قرار داشت. از درهم و فلوسهای این دوره چیزی به دست نیامده است و از دینارها نیز نمونه زیادی در دست نیست و این خود حاکی از آن است که دولت فاطمی در این دوره رو به افول و ضعف نهاده بوده است. (محمود داود، ص ۳-۲-۱۰)



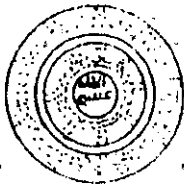
ظهر



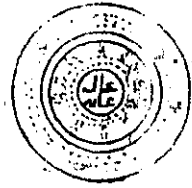
وجه

دینارهای الفاتر فاطمی شبیه دینارهای مستعلی بود که سه سطر و دو حاشیه داشت و بر روی سکه و در مرکز دو کلمه «عال - غایه» و در پشت سکه، در مرکز دو کلمه «الامام، عیسی» حک شده بود. (القیسی، موسوعة النقود، ص ۱۹۳؛ محمود داود،

ص ۱۰۸)

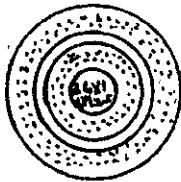


ظهر

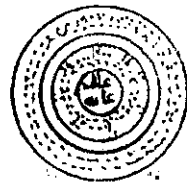


وجه

سکه های دوره فائز تا دوره آخرین خلیفه فاطمی الغاضد (۵۶۷ - ۵۵۵ هـ ق) رواج داشت؛ با این تفاوت که در پشت و مرکز سکه کلمه «الامام، عبدالله» یا «الله الامام، عبد» حک شده بود. (همان، ص ۱۰۶؛ القیسی، موسوعة النقود، ص ۱۹۳)



ظهر



وجه

این سکه ها دارای دو سطر و دو حاشیه بر روی سبکه و دو سطر و دو حاشیه بر پشت سکه بود. در هم های دوره العاضد نیز به همان سبک و طراز دینار ضرب می شد؛ با این تفاوت که بر روی سکه لقب خلیفه فاطمی، العاضد، ضرب می شد. (محمود داود، ص ۹، ۱۰۸؛ القیسی، موسوعة النقود، ص ۱۹۳)

در مجموع، باید گفت که سکه های فاطمی متمایز و برجسته بوده است و به خاطر کامل بودن عیار، وزن و زیبایی، در تجارت بر سایر سکه ها ترجیح داده می شد. (القیسی، موسوعة النقود، ص ۱۹۳)

فاطمیان بر میزان عیار سکه ها نظارت کامل داشتند. در صدر اسلام و در دوره عمر بن خطاب وزن آن را برابر شش دانگ تعیین کردند و در مصر مقدار آن را برابر ۳/۵۴ گرم یونانی در نظر گرفتند. (المآوردی، ص ۳۴۹؛ ابن اخوة، ص ۱۰۰)

فاطمیان مراکزی تحت عنوان دارالعیار یا دارالضرب تاسیس کردند که وزن و عیار



سکه را به دقت محاسبه می‌کرد و محتسب بر این کار نظارت داشت. (مقریزی، النقود الاسلامیه، ص ۷۰؛ مقریزی، خطط، ج ۳، ص ۳۸۸)

زمانی که دولت فاطمی به دست صلاح‌الدین ایوبی در سال ۵۶۷ هـ ق سقوط کرد، صلاح‌الدین دستور داد سکه‌هایی به نام المستضی بامرالله عباسی و نورالدین زنگی ضرب کنند و اسم هر یک را بر یک طرف سکه نقش زنند. (مقریزی، النقود الاسلامیه، ص ۲۸)

در نتیجه، می‌توان گفت که چون سکه یکی از اشارات خلافت بود و ضرب سکه نشانه استقلال حکومت یک منطقه از مرکز خلافت به شمار می‌رفت، فاطمیان پس از به استقلال رسیدن در شمال افریقا در ضرب سکه سعی فراوان نمودند و پیوسته سعی کردند با تغییر در طراز، عیار و وزن سکه، نه تنها استقلال خود را اعلام نمایند بلکه ادعا کنند که تنها وارث نبی اکرم (ص) خلیفه فاطمی است که در مصر بر تخت حکومت تکیه زده است. آنان برای اثبات این ادعا، علاوه بر ضرب سکه، علایمی نیز داشتند که در تشریفات خاص حکومتی مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ از طرفی، توانستند تجارت بین‌المللی خود را تا اقیانوس هند گسترش دهند و به این ترتیب در قرن چهارم و پنجم هجری بخش وسیعی از سرزمین‌های اسلامی را به تصرف درآوردند. آنان در تمامی این سرزمین‌ها سکه‌های حکومتی خویش را رواج دادند تا اینکه سرانجام در سال ۵۶۷ هـ ق حکومت فاطمی در مصر توسط صلاح‌الدین ایوبی برچیده شد و دوباره پس از ۲۷۰ سال خطبه به نام خلیفه عباسی خوانده شد.

نمونه‌هایی از سکه‌های خلفای فاطمی



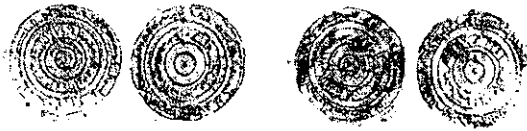
دینار عبیدالله المیدی



دینار خلیفه القائم فاطمی



دینار خلیفه المعز فاطمی



دینار خلیفه العزیز فاطمی



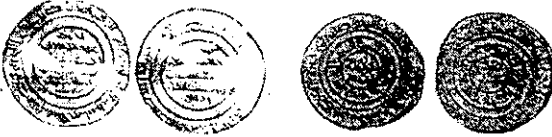
دینار خلیفه الحاکم



دینار خلیفه الظاهر



دينار خليفه المستنصر فاطمي



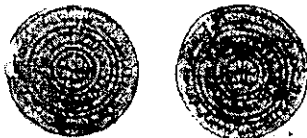
دينار خليفه المستعلي بالله



دينار الطاهر تامل الله



دينار خليفه الفائز



دينار الامام محمد المنتظر



درهم خليفه العاصد لدين الله

## منابع و مأخذ

- ابن اثیر، عزالدین. الكامل فی التاریخ. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ هـ.
- ابن اخوة، محمد بن احمد ابن قرشی. معالم القرية فی احکام الحسیبه (آیین شهرداری). ترجمه جعفر شعاع. تهران: انتشارات علمی فرهنگ، ۱۳۶۷، ج ۳.
- ابن تغری بردی، جمال الدین. الجوامع الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ هـ.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. العبر و دیوان المبتدا والخبر. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۱ هـ.
- ابن خلدون، عبدالرحمن مقدمه: ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگ، ۱۳۶۹، ج ۷.
- ابن المامون البطانچی. نصوص من اخبار مصر. قاهره: المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیه بالقاهره، [بی تا].
- ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ هـ.
- اشراق، شمس. نخستین سکه های امپراتوری اسلام. اصفهان: دفتر خدمات فرهنگ، ۱۳۶۹.
- امام شوشتری، محمد علی. تاریخ مقیاسات و تقوید در حکومت اسلامی. تهران: چاپخانه دانشرای عالی، ۱۳۳۹.
- البستانی، بطرس. دایرة المعارف البستانی. بیروت: دارالمعرفة، [بی تا].
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر. فوج البلدان. ترجمه محمد توکل. تهران: نشر نقره، ۱۳۶۷.
- بلانت، ریتشارد. التقوید العربیه و الاسلامیه. مکتبه السائح، ۱۴۰۸ هـ.
- بلودن، لیدی و مولی بریلی. سکه. ترجمه حسین غطایی. آشتیانی. تهران: انتشارات پدیده، ۱۳۵۵.
- الحسینی المازندرانی، السید موسی. تاریخ التقوید الاسلامیه، دارالعلوم، ۱۴۰۸ هـ ج ۲.
- الدشراوی، فرحات. الخلافة الفاطمیه بالمغرب. دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۴ م.
- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ج ۲.
- الذهبی، شمس الدین. تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام. دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ هـ.
- زبیدی، محمد بن محمد. تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ هـ.
- زیدان، جرجی. تاریخ المذنبین الاسلامی. مصر: مطبعة الهلال، ۱۹۰۴ م.
- زیدان، جرجی. تاریخ مصر الحديث. مصر: مطبعة الهلال، ۱۹۲۵ م، ج ۳.
- الصراف، عبدالله شکر. السکوکات. [بی جا]: ۱۳۸۸ هـ.
- الصنهاجی، ابی عبدالله محمد. اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم (تاریخ فاطمیان). ترجمه حجت الله جودکی. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸.

قلفشندی، ابى العباس احمد بن على. صبح الاعشى فى صناعة الانشاء. مصر: الموسسه المصريه العامه للتأليف و الترجمة و النشر، [بى تا].

القيسى، ناهض عبدالرزاق. المسكوكات. كويت: طبع فى مطابع دارالسياسة الكويت، [بى تا].  
موسوعة التفودالعربيه والاسلاميه. عمان: داراسامه للنشر و التوزيع، ۲۰۰۱ م.

لويس، برنارد. اسماعيليان در تاريخ. ترجمه فريدون بدره اى. تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۲.

الماوردى، ابى الحسن على بن محمد بن حبيب البصرى البغدأدى. احكام السلطانيه و الولايات الدينيه. بيروت: المكتب الاسلامى، ۱۴۱۶ هـ

محمود داود، مايه. المسكوكات الفاطميه. قاهره: دارالفكرالعربى، [بى تا].

معلوف، لويس. المنجد فى اللغة. تهران: چاپ معراج، ۱۳۶۷، [بى تا].

مقريزى، تقى الدين احمد بن على. اتعاظ الحنفاء باخبارالائمة الفاطميين الخلفاء. قاهره: لجنة احياء التراث الاسلامى، ۱۳۸۷ هـ

اغاثه الامه بكشف الغمه. قاهره: مطبعة لجنة التأليف و الترجمة و النشر، ۱۹۵۷ م، ج ۳.

التفودالاسلاميه. نجف: مكتبه الحيدريه، ۱۳۸۷ هـ

المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار المعروف بالخطط المقريزيه. بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۴۱۸ هـ

النعمان بن محمد، ابى حنيفه. رساله افتتاح الدعوة. بيروت: دارالثقافه، ۱۹۷۰ م.

التقشبندى، ناصرالسيد محمود. الدينار الاسلامى فى المتحف العراقى. بغداد: مطبعة، ۱۳۷۲ هـ

نوبرى، شهاب الدين احمد. نهايه الأرب فى فنون الادب. ترجمه دكتور محمود مهدوى دامغانى. تهران: انتشارات اميركبير،

۱۳۶۴.

Ehren, kreutz .S.A. *The Fisical Adminstratio of Egypt in the Middite Ages*,  
BSAXVI, 1954.